

### متن پرسش

سلام علیکم: استاد در عوامل نحوی در قسمت حروف جر ما یک حرف (الی) داریم و یک حرف (حتی). که هر دو حرف به معنای انتهای غایت می باشد. یعنی انتهای مسافت. اما در حرف (الی) معلوم نیست که خود مقصد را هم شامل می شود یا خیر. مثلاً وقتی گفته می شود. (سرت من البصره الی الکوفه) یعنی اینکه از بصره به سمت کوفه رفتم. اما معلوم نیست که داخل خود کوفه شد یا نشد. ولی وقتی گفته می شود (اکلت سمکت حتی رأسها) یعنی ماهی را خوردم حتی سرش را. یعنی ما بعد حتی را هم شامل می شود. حال در آیه ی انالله و انالیه راجعون. الی در این آیه اگر به معنای انتهای غایت باشد (با توجه به احکام الی که در شرح عوامل جرجانی گفته می شود) توحید ذاتی چگونه توجیه می شود؟ من اینگونه برداشت کردم که شاید انسان در لقای الهی به توحید اسمائی و افعالی و صفاتی برسد اما چون (ه) در الیه به الله برمی گردد و از طرفی هم (الی) آمده است و (حتی) نیامده است و با توجه به احکام (الی) در شرح عوامل جرجانی برداشت کردم که انسان نمی تواند به الله (منظور همان مقام ذات است چون الله اسم ذات است) برسد پس اگر حتی می آمد توحید ذاتی و رسیدن به الله یعنی همان مقام ذات را می شد توجیه کرد ولی با آمدن حرف الی نمی توان این برداشت را کرد. این برداشت بنده بود و می دانم که ممکن هم هست که اشتباه باشد، چون علما و عرفای بزرگی توحید ذاتی را تبیین کردند. از همین حیث از جنابعالی خواستم برای بنده توضیح دهید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نکته‌ی خوبی را مطرح فرموده‌اید. علاوه بر آن عنایت داشته باشید حضرت حق به یک معنا چیزی نیست که رسیدن به او معنا داشته باشد در آن حدّ که رسول خدا «صلوات‌علیه‌وآله» عرضه می‌دارند: «مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» پس همواره همه تا ابد به سوی خدا در حرکت‌اند و هیچ‌وقت رسیدن به معنای دستیابی به انتها معنا ندارد. موفق باشید